

حمایت از حقوق نسل‌های آینده از منظر ادیان الهی (مطالعه موردی دین اسلام و مسیحیت)

مصطفی کریمی پور^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹)

چکیده

حقوق نسل‌های آینده، به عنوان یک مؤلفه اساسی عدالت بین‌نسلی، بر انتقال منصفانه مواهب الهی از نسل حاضر به نسل‌های آتی استوار است. این مفهوم سه جنبه اساسی دارد: (۱) ضرورت حفاظت از منابع طبیعی توسط هر نسل؛ (۲) پرهیز از بهره‌برداری مخرب از منابع طبیعی؛ و (۳) تعلق منابع طبیعی به تمامی نسل‌ها، بدون اولویت برای نسل خاصی. با وجود نگرانی‌های جهانی در مورد حقوق نسل‌های آینده، این فرضیه وجود دارد که ادیان الهی فاقد توجه کافی به این حقوق هستند. این پژوهش با هدف بررسی این ادعا و پاسخ به این پرسش که آیا از منظر ادیان، نسل‌های آینده حق بهره‌مندی از منابع موجود را دارند، انجام شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده، ادیان الهی به‌ویژه اسلام و مسیحیت، دارای آموزه‌های غنی در زمینه ضرورت حفاظت از حقوق نسل‌های آینده و مواهب الهی هستند. این ادیان، ضمن تأکید بر بعد معنوی، بشریت را به رعایت حقوق نسل‌های آینده تشویق نموده و اصول و ضوابطی را برای حفاظت از این حقوق مقرر کرده‌اند. این مطالعه به تبیین جایگاه حقوق نسل‌های آینده در ادیان الهی می‌پردازد و نقش ادیان را در حمایت از حقوق آیندگان در دین مبین اسلام و مسیحیت بررسی می‌کند. در این پژوهش، نه تنها به اصول و احکام فقهی و اخلاقی که بر حفاظت از حقوق آیندگان دلالت دارند، پرداخته می‌شود، بلکه به آموزه‌های بنیادین دینی که ریشه این نگرش هستند، توجه می‌گردد.

کلید واژه‌ها: حقوق، نسل‌های آینده، ادیان الهی، اسلام، مسیحیت، عدالت بین‌نسلی.

۱. بیان مساله

نعمت‌های الهی و منابع طبیعی جهت استفاده انسان‌ها به عنوان اشرف مخلوقات آفریده شده است. در این راستا گروهی عقیده دارند که مواهب الهی، جهت استفاده نسل موجود است و دلیلی بر نگهداری و انتقال آن به نسل‌های آینده، وجود ندارد و گروهی دیگر معتقدند؛ نسل فعلی، مجاز به استفاده از مواهب الهی نیستند؛ همانطوری که نسل‌های قبلی به نسل‌های فعلی منتقل نمودند، نسل فعلی نیز وظیفه دارند به عنوان امانت به نسل‌های آینده منتقل نمایند، در این میان گروه سوم نظر بینابین ارائه دادند و معتقدند نسل فعلی نیز در صورت رعایت حقوق نسل‌های آینده، حق بهره‌برداری از مواهب الهی دارند.

حقوق نسل‌های آینده، از مباحث مهمی است که در همه ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، مورد توجه بوده است. آیات متعددی در قرآن و سایر کتب آسمانی، جایگاه حیاتی محیط زیست (که یکی از مصادیق بارز حقوق نسل‌های آینده است) را نشان می‌دهد. با این وجود، برداشت‌های نادرست از برخی دستورات ادیان، سبب شده است این تصور ایجاد شود که ادیان، اتلاف منابع طبیعی و تضييع حقوق نسل‌های آینده را برای پیروان خود مجاز می‌شمارند. هرچند که این اتهامات بیشتر متوجه آموزه‌های مسیحیت است، اما وجود مسائل مشابه در اسلام، زمینه برداشت‌های نادرست از آموزه‌های اسلامی را نیز فراهم می‌کند. بنابراین، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی است: آیا ادیان الهی، تخریب مواهب الهی و نادیده گرفتن حقوق نسل‌های آینده را جایز می‌دانند؟ آیا حمایت از حقوق نسل‌های آینده در مقوله ارزش‌های بنیادین جامعه در ادیان الهی مطرح می‌شود؟ و آیا حمایت از حقوق نسل‌های آینده، به مانند دیگر ارزش‌ها در ادیان الهی، ضرورت دارد؟ این پژوهش با بررسی متون و آموزه‌های دینی، به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای این پرسش‌ها است و سعی دارد تا جایگاه حقوق نسل‌های آینده را در ادیان، به‌ویژه در اسلام و مسیحیت، روشن سازد.

۲. مقدمه

توجه به حقوق نسل‌های آینده و حفاظت و صیانت از آن، موضوعی چالش‌برانگیز است که در دهه‌های اخیر توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است. این مفهوم از کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ وارد حقوق بین‌الملل شد و دولت‌ها در تدوین و تصویب قوانین برای حمایت از حقوق نسل‌های آینده، با یکدیگر رقابت کرده‌اند. در این میان، چالش‌های محیط زیستی معاصر و تأثیرات آن بر نسل‌های آینده، اهمیت این موضوع را دوچندان کرده است.

دانشمندان در خصوص نقش ادیان الهی نسبت به حقوق نسل‌های آینده، نظرات گوناگونی را مطرح کرده‌اند. برخی، بحران‌های زیست محیطی و عدم توجه به حقوق نسل‌های آینده را نتیجه فاصله گرفتن از آموزه‌های الهی می‌دانند و راه حل را در توسعه اخلاق و آموزه‌های دینی جستجو می‌کنند (نصر، ۲۰۹). در مقابل، عده‌ای دیگر، بر این باورند که آموزه‌های دینی، خود سبب تخریب محیط زیست و تضييع حقوق نسل‌های آینده شده است (بری، ۶۷). این دیدگاه‌ها، به‌ویژه پس از رنسانس در اروپا، مطرح شده‌اند و نقش دین را در تخریب یا حفاظت از محیط زیست مورد بحث قرار داده‌اند (فتحی و مشهدی، ۶۴).

درباره پیشینه این موضوع باید گفت؛ تحقیقی که به صورت مستقل به حقوق نسل‌های آینده در ادیان الهی بپردازد، وجود ندارد. اغلب پژوهش‌های انجام شده به بررسی حقوق نسل‌های آینده در اسناد بین‌المللی و محیط زیست پرداخته‌اند، لکن در این میان مقاله‌ای تحت عنوان «نسبت دین و محیط زیست» توسط عزیزالهی فهیمی نگارش شده که به اهمیت محیط زیست و حفظ آن از دیدگاه اسلام پرداخته است و مقاله دیگری تحت عنوان «بررسی فقهی و حقوقی عدالت به عنوان مبنای حقوق نسل‌های آینده» توسط مهدی فیروزی به قلم تحریر درآمده که در این پژوهش حقوق نسل‌های آینده از بُعد عدالت تکوینی و تشریحی بررسی گردیده است و مقاله دیگری تحت عنوان «پاسداری از محیط زیست در آیات و روایات» توسط مجتبی زروانی نوشته شده است که در این پژوهش به

جایگاه محیط زیست و حیوانات و درختان و مسئولیت انسان در قبال آن پرداخته است. مقاله دیگری تحت عنوان «شکل‌گیری و توسعه مفهوم حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» توسط سیدعباس پورهاسمی کتابت شده که به حقوق محیط زیست در اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور پرداخته است و پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان «حقوق نسل‌های آینده از منابع حیاتی از منظر فقه و حقوق اسلام» در دانشگاه تهران توسط سیدمحمود هل‌اتایی به نگارش در آمده که به موضوعاتی مانند نظریه خطابات قانونی، وقف، وصیت و ارث پرداخته است. با توجه به اهمیت موضوع و نپرداختن به آن، برخی‌ها معتقدند؛ فقط اسناد بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده پرداخته و در ادیان الهی به این امر اشاره‌ای نشده است که در این پژوهش جایگاه حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. تحلیل مفاهیم

سه اصطلاح «حمایت»، «نسل‌های آینده» و «حقوق نسل‌های آینده» مفاهیم اصلی و محوری این نوشته هستند که تبیین و تحلیل این مفاهیم، می‌تواند به برداشت‌های صحیح از ابعاد مختلف موضوع کمک شایانی نماید. بنابراین در این گفتار به بیان این واژگان می‌پردازیم.

۳-۱. مفهوم حمایت

۳-۱-۱. مفهوم لغوی حمایت

حمایت در لغت به معنای حفاظت و پشتیبانی کردن می‌باشد و همچنین به معنای نگاهبانی، پناه، دستگیری، حفاظت، یاری، نصرت، اعانت، تقویت، هواداری و طرفداری آمده است (دهخدا، ۲/۲۶۷). همچنین به معنای دفاع از چیزی یا جلوگیری کردن از چیزی آمده است و می‌گویند این شی حفظ شده است یا این مکان محافظت شده است (جوهری، ۴/۲۳۱۹). و در حدیث شریفی بیان شده است: «لا حمی الا الله و رسوله حافظی جز خدا

و رسول نیست» (رازی، ۱۵۸).

زمانی که گفته می‌شود آن شی محافظت شد، یعنی از مردم جلوگیری شود یا از آنها دور کنید و یا اگر گفته می‌شود از مریض محافظت کنید یعنی چیزهایی که به ضرر اوست از او دور کنید (ابن منظور، ۳/۱۵۴). همچنین ممکن است حمایت به معنای نصرت و یاری هم بیاید، زمانی که گفته می‌شود از مردم حمایت کنید به معنای یاری کردن به مردم است (ابن فارس، ۴/۱۲۵).

۳-۱-۲. مفهوم اصطلاحی حمایت

حمایت از نظر اصطلاحی به معنای عقوبت و مجازات است و به فردی که خلاف قانون، اخلاق، عرف و عادت رفتار کرده و مرتکب عمل زشتی شده باشد تحمیل می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۵۷۹). به دیگر سخن حمایت‌ها و پشتیبانی‌هایی است که از سوی مقنن در قبال اعمال مجرمانه‌ای که نسبت به افراد جامعه اعمال می‌شود، به کار می‌رود و حمایت کیفری از رهگذر ساز و کاری به نام «جرم‌انگاری» متداول‌ترین و سنتی‌ترین گونه حمایت از بزه‌دیدگان در چارچوب سیاست جنایی تقنینی شناخته می‌شود که در ساده‌ترین شکل نیازمند پیش‌بینی یک ضمانت اجرای مشخص و معمولاً «کیفری» است. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که قوانین کیفری در کنار نقش پیشگیرانه‌ای که در چارچوب بازدارندگی فردی و جمعی دارند، نقش حمایتی از رهگذر پیشگیری از بزه‌دیدگی را نیز به دوش می‌کشند. وانگهی، گاهی ممکن است با تشدید ضمانت اجراها به این حمایت کیفری جامه عمل پوشانده شود. در این موارد، قانونگذار با تاکید بر شخصیت بزه‌دیده، حمایت کیفری از او را دنبال می‌کند. در اینجا، آسیب‌پذیری برخی از اشخاص مانند زنان و کودکان به دلایلی همچون جنس و سن، آنان را پیش از دیگران شایسته توجه و حمایت ویژه می‌سازد. همچنین، حمایت کیفری ممکن است با جرم‌انگاری ویژه بر پایه وضعیت آسیب‌شناسانه بزه‌دیدگان خاص (همچون زنان، کودکان، سالمندان و ناتوانان بزه‌دیده یا نسل آینده) به یک

حمایت افتراقی بینجامد. همچنان که ممکن است قانونگذار در کنار ضمانت اجرای کیفری با پیش‌بینی ساز و کارها یا ضمانت اجراهای دیگری - برای نمونه، از نوع مدنی، اداری، انضباطی و مانند آن - به حمایت از بزه دیده جامه عمل بپوشاند (رایجیان اصلی، ۷۷-۷۸).

۳-۲. مفهوم نسل‌های آینده

۳-۲-۱. مفهوم لغوی نسل

لغت نسل، واژه عربی و مصدر است، در معنی اسم مفعول بکار رفته است (عکبری، ۵۳). به معنای انفصال و جدا شدن از چیزی نیز آمده است و در آیه ۵۱ سوره یس به همین معنا ذکر شده است «وَتُفَخَّ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» نسل به فرزند و اولاد از آن جهت که از والدین خود جدا می‌شود، نیز اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱/ ۸۰۲). در آیاتی از قرآن کریم نیز واژه نسل به معنای فرزند و ذریه بیان شده است (طبرسی، ۲/ ۱۸۰ و فخر رازی، ۵/ ۳۴۷). مانند «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (البقره، ۲۰۵). «هنگامی که ولایت و سلطه پیدا کنند با تمام قدرت در گسترش فساد در زمین می‌کوشند و مال و جان مردم را از بین می‌برند در حالی که خدا فساد را دوست ندارد». منظور از هلاکت نسل، انحراف نسل آینده است (قرائتی، ۱/ ۲۶۷) مراغی و فخر رازی در تفاسیر خود بیان نموده‌اند که احتمالاً مراد از نسل، فرزندان هستند (مراغی، ۵/ ۵۶۱ و فخر رازی، پیشین). همچنین در روایات منقول از ائمه اطهار (ع)، که در تفسیر آیه ۲۰۵ سوره بقره وارد شده است نیز به معنای فرزند و ذریه بیان شده است که امام صادق (ع) می‌فرماید: «النسل الولد و الحرث الارض» و قال ابو عبدالله (ع) الحرث الذریه؛ منظور از نسل ولد و حرث، زمین است و در جایی دیگر فرموده‌اند حرث همان فرزندان است» (مجلسی، ۹/ ۱۸۹ و عیاشی، ۱/ ۱۰۰) امام کاظم (ع) فرمود: «النسل هم الذریه و الحرث الزرع؛ منظور از نسل، فرزندان و منظور از حرث کشت و زرع است» (همان). و نیز از امام صادق (ع) نقل شده: «أَنَّ الْحَرْثَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ:

الدین و النسل، الناس؛ منظور از حرث در اینجا، دین و نسل، مردم هستند» (همان).
فقها نیز در کتاب‌های فقهی در بحث نکاح و فواید آن همین مفهوم را بیان نموده‌اند (نجفی، ۲۹/۱ و حلی، ۱۵۷/۳). اما از فقهای معاصر آیت الله جوادی آملی معتقد است واژه «نسل» مختص انسان نیست و مطلق موجودات زنده اعم از انسان و حیوان را شامل می‌شود (جوادی آملی، ۲۲۹/۱۰).

۳-۲-۲. مفهوم اصطلاحی نسل

اصطلاح «نسل» زمانی که با شجرنامه خاصی مرتبط باشد، معنای روشنی دارد، اما هنگامی که چشم‌انداز انتزاعی آن فراتر از چارچوب خانواده قرار گیرد دارای معنای مبهمی خواهد بود. یک روش مجزا برای انتزاعی کردن این اصطلاح این است که گروه مردم برحسب دسته‌های مرتبط با آمار و جمعیت‌شناسی، نسل حاضر می‌باشند که دیگران به راحتی نسل‌های آینده به عنوان کسانی که بعد از آخرین فرد نسل حاضر که در گذشته است تولد یابند، تعریف می‌شوند. به تعبیر دیگر، اصطلاح نسل‌های آینده به تمام افراد متولد نشده آینده با یک محدوده جغرافیایی خاص اشاره می‌شود (ساعد وکیل، ۴۸).

ابهامی که در این بحث وجود دارد این است که دوره‌ی حیات با پیشرفت تکنولوژی و طبیعتاً با افزایش طول عمر متغیر است و به طور دقیق قابل تخمین و تعیین نیست، از آنجا که حتی امروزه طول عمر با تفاوت‌هایی که از نظر دستیابی به علوم جدید و تکنولوژی بین کشورها توسعه یافته و در هر حال توسعه وجود دارد متفاوت است و طبیعتاً آیندگان نیز با پیشرفت‌هایی که حاصل خواهند نمود دوره‌ی زندگی طولانی‌تری خواهند داشت. بنابراین با روشن نبودن دوره‌ی حیات، مفهوم نسل آینده نیز با تردید روبه‌رو خواهد شد. اصولاً مرز بین نسل حاضر و آینده کجاست؟ آیا همه‌ی انسان‌های زنده در هر لحظه را می‌توان نسل حاضر دانست؟ در رفع این ابهام باید گفت که به نظر می‌رسد طول حیات و موجودیت نسل‌ها مهم نیست، بلکه باید نسل را مجموعه‌ای از افراد بدانیم که به طور مستمر شکل

دهنده‌ی آن هستند و بنابراین تفاوتی میان افراد یک نسل نیست. آنچه حائز اهمیت است وجود پایدار و مستمر انسان بر روی کره‌ی زمین است. که از مجموع آن بشریت به وجود می‌آید، و می‌توان آن را به رودخانه‌ی بزرگی تشبیه نمود که همواره جریان دارد و از ترکیب جریان‌های آبی بزرگتر می‌شود، به طوری که نمی‌توان بین اجزای تشکیل دهنده‌ی آن تفاوتی گذاشت. لذا هر چند ابهام در مفهوم نسل‌های آینده است ولی بشریت هم چنان به عنوان یک نسل دارنده‌ی حق، شناسایی شده است (امامی مبین، ۲۸).

۳-۳. مفهوم حقوق نسل‌های آینده

۳-۳-۱. مفهوم لغوی حقوق

حقوق واژه عربی و جمع حق است و در لغت معانی متعددی برای آن از سوی لغت شناسان بیان شده است که از آن جمله در قاموس لغت به معنای ثبوت، ضد باطل و موجود ثابت وجود ثابتی که انکار آن روا نباشد (طریحی، ۵۴۵/۱؛ فیومی، ۱۴۳/۲). نیز به معنای وجود مطلق و غیرمقیدی که به هیچ قیدی تقیید نشده باشد، یعنی ذات اقدس باری تعالی آمده است (تهانوی، ۶۴۶/۱). راغب اصفهانی می‌گوید: حق در اصل به معنای موافقت و مطابقت است (راغب اصفهانی، ۱۰۵). عده‌ای نیز در معنای حق معتقدند؛ همه معانی حق در لغت به ثبوت و وجوب برمی‌گردد (مدکور، ۴۱۹). بسیاری از لغت شناسان بر واژه «ثبات» به عنوان اصلی‌ترین معنای «حق» تاکید نموده‌اند (ابن‌منظور، ۴۹۱۰/۱۰، ۴۹ و ابن‌فارس، ۱۵/۲).

۳-۳-۲. مفهوم اصطلاحی حقوق نسل‌های آینده

در کتاب‌های فقهی تعاریف متعددی برای واژه «حق» از سوی فقها بیان شده است؛ مرحوم شیخ انصاری (ره) در کتاب مکاسب آن را «نحوه‌ای توانایی و سلطه می‌شناسد» (انصاری، ۱۴/۲).

برخی معتقدند: «حق در حقوق اسلامی، توانایی خاصی است که برای کسی نسبت به

چیزی اعتبار شده است و به مقتضای آن توانایی می‌تواند در آن چیز تصرف نموده و بهره‌ای برد». (گرچی، ۲۸۱).

همچنین آیت الله العظمی خمینی (ره) در تعریف حق معتقد است یک ماهیت اعتباری است که در پاره‌ای موارد عقلائی و در پاره‌ای موارد شرعی است، مثل اعتباری بودن ملکیت، و سلطنت مانند سلطه بر مال و نفس و ولایت و حکومت (خمینی، ۲۹/۲).

در مقابل برخی معتقدند اینکه معنای فقهی حق را نوع یا مرتبه‌ای از ملکیت به حساب آوریم، ناصواب است (جوادی آملی، ۷۵). چون اولاً در حق، صاحب آن می‌تواند افزون بر توانایی انجام و ترک آن، حق را از خود ساقط کند به همین جهت گفته شده: «الکل ذی حق ان یسقط حقه»، ثانیاً متعلق حق همیشه عملی از اعمال است در حالی که متعلق ملک افزون بر عمل، شیء هم می‌تواند باشد. ثالثاً ملک سلطنت قویه را گویند و حق، سلطنتی ضعیف است؛ یعنی مالک مجاز به تصرف مشروع در ملک خود است اما صاحب حق جز برخی از تصرفات را که برای او معین شده نمی‌تواند انجام دهد پس در فقه زمانی از حق سخن گفته می‌شود، نوعی از سلطه و سلطنت در آن نهفته است: «الحق سلطنه فعلیه لا یعقل طرفیها بشخص واحد»؛ حق سلطنت فعلیه ای است با فرض یک طرف قابل تصور نیست، بلکه باید قائم به طرفین باشد یک طرف صاحب حق که از آن سود می‌برد و طرف دیگر آن که حق بر علیه آن می‌باشد و ادای آن را عهده‌دار است (همان). «لا یجری لأحدٍ إلا جری علیه، ولا یجری علیه إلا جری له» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

به نظر می‌رسد بتوان چنین تعریفی ارائه نمود «حقوق نسل‌های آینده، حقوقی است که به موجب آن منافع یک نسل اعم از طبیعی و غیر آن که از نسل قبل به ارث رسیده است، به نسل آینده منتقل می‌شود که به موجب آن صیانت از این حقوق، به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود که مستلزم اجتناب از فعالیت‌های زیان‌آور و غیرقابل جبران است.»

۴- جایگاه حمایت از حقوق نسل‌های آینده در ادیان الهی

در نگاه ادیان الهی، انسان موجودی دو بعدی است و زمینه رشد و فعالیت او در این

دنیای خاکی محقق می‌شود؛ از همین جهت به‌رغم برخی از مکاتب که به منظور تصفیه روح، بی‌توجهی به جنبه‌ی مادی انسان را تشویق می‌کنند، در دین اسلام به‌ویژه، بر جنبه مادی انسان در کنار بُعد ملکوتی‌اش تأکید شده است و وصول کمال واقعی را فقط از همین طریق میسر دانسته است و به همین جهت سفارش‌های فراوانی درباره‌ی رعایت حقوق انسان‌ها و نسل‌های آتی و تأمین آسایش و احتیاجات آنان و چگونگی تنظیم رابطه انسان با محیط زیست پیرامون خود و منابع طبیعی رهنمودهایی ارائه شده است و آداب و احکامی در این خصوص صادر گردیده است. لین وایت در سال ۱۹۷۶ در مقاله تحت عنوان «ریشه‌های تاریخی بحران‌های اکولوژیک» چنین اظهارنظر کرد: «دیدگاه اسلام نسبت به محیط زیست بر تقدس عالم طبیعت که آفریده خداوند است که مسلمانان و دیگر معتقدان به ادیان ابراهیمی یعنی یهودیان و مسیحیان، همه در مقابل او سجده می‌کنند، استوار می‌باشد» (45.wite)

بنابراین، اسلام یادآور چیزی است که غرب آن را به برکت ادیان ابراهیمی به دست آورده و امروز از دست داده است (شکوهی، ۱۷). در این گفتار ابتدا حمایت از حقوق نسل‌های آینده را در دین مبین اسلام در قرآن کریم و روایات بررسی نموده و سپس به بررسی آن در دین مسیحیت می‌پردازیم.

۴-۱. حمایت از حقوق نسل‌های آینده در اسلام

با توجه به اینکه ادیان الهی به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده‌اند، می‌توان به درستی دریافت که نگاه ویژه‌ای در دین مبین اسلام به حفظ حقوق نسل‌های آینده وجود دارد. از دین اسلام که به عنوان یک نظام هماهنگ یاد می‌شود، دارای برنامه‌های مهمی برای همه نیازهای انسان است و براساس مبانی فلسفی، کلامی و اخلاقی هماهنگ، مرتبط با هم جهت حفظ منابع طبیعی و مواهب الهی و تحویل آن به نسل‌های آینده از برنامه‌های جامع و منسجمی برخوردار است و بر خلاف برخی ادیان

شرقی، برای انسان جایز نیست که طبیعت را به علت بزرگی آن مانند خداوند بدانند و در مقابل آن سجده کنند، یا آن را موجودی فاقد روح بدانند، بلکه مظاهر طبیعت را موجوداتی دارای شعور نسبی که تسبیح گوی خداوندند^۱ بیان نموده است و انسان‌ها را به عبادت خالق آن‌ها دعوت می‌نماید، و از طرفی دیگر در مکتب اسلام، از انسان به عنوان موجودی که دارای ارزش مطلق باشد و همه چیز متعلق به انسان باشد یا موجوی که فاقد ارزش باشد و بی‌احترامی به او جایز باشد، بیان نشده است.

در این مقاله به بررسی حقوق نسل‌های آینده از منظر قرآن کریم و روایات می‌پردازیم.

۴-۱-۱. حمایت از حقوق نسل‌های آینده در قرآن کریم

دین مبین اسلام همانطور که به خود انسان و زندگی او توجه داشته است و دستورات و احکامی برای سبک و شیوه این زندگی در نظر گرفته است، به محیط زندگی نسل‌های آینده نیز توجه خاصی نشان داده است و آیات و روایات قابل توجهی، جهت رعایت حقوق نسل‌های آینده وارد شده است و هم چنین با ارزش قائل شدن برای طبیعت، موجودات و کائنات، انسان را موظف می‌کند در کنار وظایف عبادی و اجتماعی خویش، توجه خاص به رعایت و حفظ حقوق نسل‌های آینده داشته و با رعایت دستورات اخلاقی و فقهی مرتبط با آن، حتی برای رشد و تعالی روحی و فرهنگی و ارزش خویش نیز زمینه‌سازی نماید. اسلام مکتبی است جامع و جهان شمول که همه‌ی انسان‌ها را در اعصار مختلف مخاطب قرار داده است و به همه‌ی موضوعات توجه داشته است تا نیازهای حقیقی و راستین جوامع بشری را تأمین نماید و از این طریق سعادت ابناء بشری را محقق کند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»؛ «ما در این کتاب از بیان هیچ چیزی فروگذاری نکردیم» (الانعام، ۳۸) همچنین خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرمایند: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»؛ یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که

۱. يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. سوره جمعه، آیه ۱.

بیان کامل هر چیزی در آن است» (النحل، ۸۹).

امام صادق (ص) نیز در جامعیت اسلام چنین می‌فرماید: «خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که مورد نیاز مردم بوده، رها نکرده است، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است» (کلینی ۱۱۳/۱).

طبق آیات و روایات مذکور، هر آن چیزی که نیاز بشر اعم از نسل حاضر و نسل‌های آینده باشد در قرآن کریم بیان شده است و آیت الله مکارم شیرازی معتقد است منظور از همه چیز، تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است (مکارم شیرازی، ۳۶۱/۱۱). به طور قطع یکی از اموری که زمینه ساز هدایت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، رعایت حقوق نسل‌های آینده است، همانگونه که نزول قرآن برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست، نعمت‌های خداوند نیز برای همه نسل می‌باشد و اختصاص به افراد و گروه‌های خاص و مردم زمان و مکان خاصی ندارد بلکه همه مردم در بهره‌وری از آن یکسان هستند.

بنابراین، آیات متعددی وجود دارد که به رعایت حقوق نسل‌های آینده دلالت دارند و پیام‌آور این است که خداوند منابع طبیعی و هر چیزی که در زمین وجود دارد برای انسان خلق نموده است و انسان حق بهره‌برداری از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها در هر نسلی می‌باشد (ربانی، ۲۲۳). از باب نمونه به چند مورد از آیاتی که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است، اشاره خواهیم نمود.

الف. اولین آیه که ناظر به حقوق نسل‌های آینده است، آیه ۲۹ سوره بقره است که خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»؛ «و خدایی است که همه آنچه از نعمت‌ها در زمین وجود دارد برای شما آفریده است.» (البقره، ۲۹). این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسانها، در همه زمان‌ها می‌داند؛ که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسانها به ویژه

نسل‌های آینده صورت پذیرد؛ و بیان نعمتی از نعمت‌های الهی است و آنچه که در زمین است؛ بتمامه از کوه‌ها، نباتات، حیوانات و جمادات متعلق به عموم مردم است (حسینی، ۵۲۰/۱). و حضرت صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: این نعمت‌ها برای مصارف بنی‌آدم می‌باشد تا از آنها معرفت به وجود صانع عالمِ قادر پیدا بکنند و وسیله بهشت جاویدان قرار بگیرند و از عذاب جهنم ایمن شوند (مجلسی، ۳۲۶/۹).

ب- دومین آیه مربوطه، در سوره اعراف بیان شده است که خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»؛ «شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.» (الاعراف، آیه ۱۰). این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان؛ اعم از نسل حاضر و نسل آینده روی زمین قرارداد، تا جایی که در آن وسایل زندگی او فراهم گردیده است. و حق بهره‌گیری از امکانات زمین، برای همه انسان‌هاست و مخصوص گروه خاصی نیست (قرائتی، ۲۷۴/۱). و به تعبیری دیگر؛ خداوند متعال بنی‌آدم را در زمین متمکن و متصرف نمود و لوازم معیشت و عیش را از مأكول، مشروب، مرکوب و ملبوس برای آنها آماده و مهیا نمود (حسینی، ۴۱۲/۲).

ج- آیه دیگر در سوره الرحمن ذکر شده است که خداوند می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»؛ «(خداوند) زمین را برای همگان قرارداد.» (الرحمان، ۱۰). بر مبنای این آیه کریمه، زمین حق همگانی است و همه انسان‌ها حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود. زیرا خداوند متعال زمین را برای تمام انسان‌ها خلق نموده و ظرفیت زندگی همه انسان‌ها را در روی زمین لحاظ نموده است و لذا نسل فعلی نباید ظرفیت زندگی نسل‌های آینده را از بین ببرد.

علامه طباطبایی در این‌باره می‌فرماید: «این حقیقت قرآنی است که پایه بسیاری از مقررات در اسلام به شمار می‌رود. اصل ثابتی که همه چیز در چارچوب آن قرار می‌گیرد، این است که جمع اموال برای همه است و مصلحت افراد تا حدی رعایت می‌شود که مصالح

عامه با آن مخالفت نداشته باشد» (طباطبایی، ۱۸۳/۴).

د. آیه دیگر که دلالت بر ذخایر طبیعی به طور خاص دارد، آیه ۲۵ سوره حدید است که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ»؛ «و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است.» (الحدید، آیه ۲۷).

برخی از ذخایر طبیعی به دلیل داشتن ویژگی خاص، دارای منافع عمومی برای همه مردم می‌باشد و در آیه مذکور آهن دارای چنین خصوصیتی است و به عنوان یکی از منافع عمومی معرفی شده است و چه بسا بتوان با تنقیح مناط بقیه ذخایر و منافع عمومی را تحت این آیه شریفه دانست. و عبارت «نازل کردن آهن» اشاره به انزال آن از خزائن الهی و از عالم غیب به عالم شهود است و منافع آهن برای مردم نیز به سبب تأثیری که در تمام شعب زندگی و صنایع مرتبط به آن دارد، از توضیح بی‌نیاز است. (طباطبائی، ۱۷۲/۱۹). و در آهن منفعتی برای همه مردمان است و صنایع و حرفه‌ها را قوام می‌بخشد (حسینی، ۴۷/۱۳). واژه «ناس» در آیه مذکور، به صورت مطلق بیان گردیده و شامل همه مردم در هر عصری می‌شود و اختصاص به مردم عصر نزول قرآن ندارد. در نتیجه آیه مذکور بدلیل ذکر یکی از نعمتهای الهی «آهن» و واژه «ناس» ناظر به حقوق نسل‌های آینده می‌باشد.

با توجه به دلایل ذیل نعمتهای الهی متعلق به همه نسل‌ها می‌باشد و مختص نسل فعلی نیست اولاً: آیات مذکور به صورت قضایای حقیقی^۱ بیان شده‌اند و موضوع قضیه حقیقی مطلق افراد طبیعت است و شامل موجودین و معدومین می‌شود. فقها و اصولیون نیز معتقد غالب احکام شرعی به صورت قضایای حقیقی هستند به غیر از خصائص النبوی که قضیه خارجی است و مختص رسول اکرم (ص) می‌باشد (خوئی، ۴۷/۴ و بجنوردی،

۱. قضیه حقیقیه نیز قضیه‌ای هست که در آن حکم بر کلیه مکلفان وضع شده است و بر خود طبیعت بار شده است و این قابلیت را دارا می‌باشد که بر هر فرد و مصداق خارجی صدق کند (خمینی، ۳۱۶/۱) به تعبیری دیگر آیت الله فاضل لنکرانی معتقد است: قضیه حقیقیه، قضیه‌ای هستند که موضوع آنها مطلق افراد طبیعت است چه آن‌که بالفعل موجودند و چه آنهایی که در آینده وجود پیدا می‌کنند، مثل مستطیع که حج بر آن واجب است که منظور از آن هر فرد از افراد مستطیع است که شامل افراد محقق‌الوجود و مقدر‌الوجود می‌گردد. (فاضل لنکرانی، ۴۷۰/۱ و صدر، ۱۲/۱)

۶۲/۲). ثانیاً: خطابات قرآنی در این آیات به صورت کلی بیان شده و خطابات متوجه عموم مخاطبین است و خطاب واحد است اما مخاطب متعدد است مانند الفاظ «یا ایها الذین»، «یا ایها الناس» که شامل کلیه افراد اعم از موجودین و معدومین می‌شود و اختصاص به گروه خاص یا شخصی ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۵۱) در حقیقت شارع مقدس در این موارد در مقام جعل قانون برای کلیه مکلفین می‌باشد و خطاب واحد، قانونی است که به عنوان کلی و عام تعلق یافته و بر همه افراد قابل انطباق است و نسبت به همه مکلفین حجت است اعم از موجودین و معدومین (سبحانی، ۲۲۸/۳). مانند قوانین بشری که توسط قانونگذار به تصویب می‌رسد و تبعیت از آن برای مردم آن منطقه لازم الاجرا هست اعم از اینکه در زمان تصویب آن قانون موجود بودند یا در آینده متولد شوند. در واقع این آیات در مقام بیان احکام و وظیفه مکلفین و جعل قانون برای کلیه مکلفین می‌باشد.

ثالثاً: «الف» و «لام» بکار رفته در واژه‌های «ناس»، «انام»، «مومن» ازادات عموم استغراقی هستند که مفید عموم می‌کنند و دلالت بر تعمیم حکم بر همه افرادش اعم از موجودین و معدومین دارد. (خوئی، ۱۵۳/۵).

رابعاً: به کارگیری تدابیری مانند «لکم»، «للانام» و «لناس» در آیات مذکور، بیان‌گر این حقیقت می‌باشد که مواهب طبیعی، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دینی و جغرافیایی و نژادی جوامع مختلف، برای تمام انسان‌ها در هر عصری هست. گویی رسالت این موجودات آن است که در خدمت انسان باشند.

همان‌گونه که مقام معظم رهبری در پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست یادآور شدند: «خداوند زمین را برای همه انسان‌ها آفریده است، متعلق به بعضی نیست، بعضی حق بیشتری از بعضی دیگر ندارند و متعلق به نسلی دون نسلی نیست، امروز متعلق به شماست فردا به فرزندان شما، نوه‌های شما، دودمان شما تا آخر تعلق دارد در حقیقت، «هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی را برای حفظ

تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی و تقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است»^۱.

بدیهی است که منظور از رعایت حقوق نسل‌های آینده به منزله عدم استفاده نسل فعلی از مواهب الهی و منابع موجود مانند آب، برق، گاز و هوا نیست و فقط آن را برای نسل‌های آینده حفظ نمایند زیرا در این صورت نسل فعلی را در استفاده از مواهب الهی بخاطر نسل آینده محروم ساختیم که این اجحافی است در حق نسل فعلی که جایز و روا نمی‌باشد بلکه منظور استفاده و بهره‌برداری صحیح و اصولی از مواهب الهی که حقوق هر دو نسل به نحو احسن تضمین گردد و عدالت بین نسلی نیز بدین معناست که ضمن اهمیت دادن به نسل فعلی و حفظ حقوق آنان، حقوق آیندگان نیز محفوظ بماند و بدین صورت نباشد که هزینه زندگی نسل فعلی بر آیندگان تحمیل گردد.

۴-۱-۲. حمایت از حقوق نسل‌های آینده در روایات

پس از قرآن کریم، سنت گران سنگ هم به مقوله حفظ و حمایت از حقوق نسل‌های آینده عنایت داشته و در این زمینه روایاتی ناظر بر حقوق نسل‌های آینده وجود دارد که بر این امر دلالت دارند که آنچه در زمین است، برای استفاده همه مردم در همه اعصار می‌باشد. مانند زمین‌های مفتوحه العنوه که امام صادق (ع) فرمود: «هولجميع المسلمين لمن هوالیوم و لمن یدخل فی الاسلام بعدالیوم و لمن یخلق بعد؛ این زمین‌ها متعلق به جمیع مسلمان‌ها است اعم از اینکه کسانی که امروز مسلمان هستند یا در آینده مسلمان می‌شوند و نیز کسانی که بعدا مسلمان می‌شوند» (طوسی، ۱۷۳/۳).

در روایت فوق صراحتاً به حقوق نسل‌های آینده اشاره شده است و بیان نموده است که همه مسلمان‌ها حق استفاده از این زمین‌ها را دارند هر چند که هنوز به دنیا نیامده باشند و در این روایت تأکید بر عنوان مسلمین است یعنی اعم از آنهایی که موجودند یا در آینده به

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسولان و فعالان محیط زیست، منابع طبیعی و فضای سبز، ۱۳۹۳.

دنیا می‌آیند و از اینکه می‌گوییم مال عنوان مسلمین است بدین نحو که مانند قضایای حقیقی است که در آن فرض وجود نشده است بلکه هر وقت چیزی موجود شد حکم بر آن بار می‌شود مثل «اکرم‌العلما» هر وقت عالمی ظاهر شد باید او را اکرام نمود و در نتیجه این اراضی نیز متعلق به همه مسلمین است (مظاهری، ۷۸). بنابراین از حدیث فوق چنین استنتاج می‌گردد که نسل‌های بعدی نیز مانند نسل فعلی در استفاده از زمین‌های مفتوحه العنوه سهیم هستند و نسل فعلی نباید سهم آنان را نادیده بگیرند و همچنین حکومت نیز وظیفه دارد در تصمیم‌گیری‌ها اقتصادی حقوق نسل‌های آینده را لحاظ نماید و از اتخاذ سیاست‌هایی که منجر به تضييع حقوق آنان می‌شود، اجتناب نمایند و زمین‌های مفتوحه العنوه در این حدیث موضوعیت ندارد و با الغاء خصوصیت از آن می‌توان نتیجه گرفت که کلیه مواهب الهی برای نسل‌های آینده نیز تعلق دارد.

۴-۲. حمایت از حقوق نسل‌های آینده در دین مسیحیت

توجه به حقوق نسل‌های آینده، نعمت‌های خدادای و مواهب الهی از جمله اموری است که در همه ادیان برای آن اهمیت فراوانی قائل شده است و در سایر ادیان به‌ویژه در دین مسیحیت در خصوص حقوق نسل‌های آینده نظرات مختلفی از سوی دانشمندان آن مذهب ارائه گردیده است که دو دیدگاه، در دین مسیحیت نسبت به حقوق نسل‌های آینده وجود دارد و برخی عقیده دارند به حقوق نسل‌های آینده توجه نشده و دین مسیحیت باعث تضييع حقوق آنان شده و در مقابل برخی معتقدند دین مسیحیت به حقوق آیندگان اهمیت قائل شده است.

۴-۲-۱. عدم توجه به حقوق آیندگان در دین مسیحیت

برخی با برداشت‌های متفاوت و ناصحیح از دین، انتقاداتی بر دین مسیحیت وارد کرده‌اند و معتقدند تسخیر زمین برای انسان و مسلط شدن او بر طبیعت که از جانب خداوند

و آموزه‌های دین بر او ارزانی شده و این پندار که خلقت همه چیز برای التذاذ آدمی است، سبب گردیده است که انسان هر گونه بخواهد در طبیعت تصرف نموده و از مواهب الهی، بی‌رویه بهره‌برداری نموده و حقوق آیندگان را نادیده انگاشته‌اند (Wite، ۱۲۰۳). برخی دیگر معتقدند پرداختن زیاد به امور اخروی و غافل شدن از دنیا و موقت پنداشتن آن را، سبب عدم توجه به حقوق آیندگان و استفاده بی‌رویه از مواهب طبیعی می‌دانند و بر این عقیده هستند که یک اصل اساسی وجود دارد که زمین را به عنوان منزل و خانه واقعی خود تلقی نماییم اما باورهای دینی این عقیده را قبول نمی‌نمایند و معتقدند که ما در این دنیا رهگذر و مسافری بیش نیستیم (هات دان، ۳۰۵). و می‌گویند این اعتقاد در کتاب مقدس است که بیان می‌کند: «هر چیزی که از شما به زندگی زمینی تعلق خاطر دارد بکشید و آنچه که در آسمان است، طلب نمایید و آنچه که در بالا هست بدان فکر کنید نه آنچه که در زمین هست» (رساله پولس، باب سوم، آیه ۲). انجیل هیچ گاه این کره خاکی و این دنیا را به عنوان خانه به رسمیت نشناخته است و همواره بر مفهوم بی‌خانمان بودن و گذرگاه بودن این هستی به عنوان یکی از مولفه‌های ایمان واقعی تاکید کرده است و حتی آن را دنیا و گذر روح ساز معرفی می‌سازد (Logan، ۵۳). همانطوری که موسی براساس سفر خروج همواره در حال مهاجرت و ره‌پیمایی بود، عیسی نیز پیروان خود را به یک بی‌خانمانی دعوت می‌کرد و معتقد بود قبول ایمان مساوی با‌آورگی در زمین است. (Anderlini، ۲۵).

«توین بی» رهبر یکی از سازمان‌های بودایی ژاپن در مصاحبه‌ای اظهار نموده که ادیان الهی بیش از پیش به انسان اهمیت قائل شده است به طوری که به وی آموزش داده که خداوند جهان را برای وی آفریده که این امر سبب استفاده بی‌رویه از طبیعت و نعمت‌های الهی شده است» (Ricgar، ۳۲۴). و «لین وات» معتقد است جهان بینی مسیحی این موقعیت را فراهم آورد که انسان‌ها بدون توجه به اشیای طبیعی، به بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت بپردازند به عقیده این منتقدان، تصریح کتاب مقدس مبنی بر آفریده شدن آدم به صورت خدا، فرمان به انسان برای پر کردن زمین، تسلط بر آن و فرمانروایی بر همه مخلوقات

ساختاری انسان محور را متبادر به ذهن می‌کند از اینرو تا زمانی که این باور که طبیعت هیچ فلسفه وجودی جز خدمت به انسان ندارد، طرد نشود، بحران‌های زیست محیطی روز به روز بیشتر می‌شود (Etienne, ۱۸).

همچنین برخی بر این باورند که آموزه‌های دینی و علمای آن در مقابل اتلاف منابع و تضييع حقوق آیندگان هیچ واکنشی نشان ندادند و در سکوت کامل هستند هرچند که مطلب قابل تأملی نیز برای بیان ندارند از جمله «راسل ترین» بیان داشته است که کلیساها، مساجد و کنیسه‌ها به مسائل و مصادیق حقوق آیندگان توجه لازم و کافی نداشته و ندارند (train, ۶۵). هات در این زمینه می‌گوید: «متون کلاسیک سنت‌های دینی مطالب مهم کمی درباره تخریب جنگل‌های بارانی، فرسایش خاک، اتلاف منابع آب تازه، گسترش بیابان‌ها، آلودگی زمین، آب و هوا، نرخ هشدار دهنده انواع نابودی، گرم شدن سراسری زمین و نازک شدن لایه ازن دارند» (هات، ۳۰۰). اعتقاد به منجی بشریت نیز یکی دیگر از نقدهای غیر علمی است که از طرف منتقدان به دین بدان اشاره نموده‌اند و بر این عقیده باطل و واهی هستند که انتظار منجی بشریت سبب گردیده که افراد درون یک جامعه نسبت به اتلاف منابع و تضييع حقوق آیندگان، همانند سایر امور اجتماعی عکس‌العمل نشان ندهند (کامستوک، ۴۵).

۴-۲-۲. توجه به حقوق نسل‌های آینده در دین مسیحیت

در مقابل دانشمندانی هستند که معتقدند که ارتباط دادن اتلاف منابع توسط نسل فعلی و عدم توجه به آیندگان در دین مسیحیت، ایده‌ای است مبتنی بر هواوهوس است تا امسائل علمی و واقعیت (ملکیان، ۳۵۶). یکی از مخالفان اینگونه نظرات، «مونکریف» است که معتقد است چیزی که با بحران‌ها و اتلاف منابع ارتباط مستقیم دارد؛ مردم سالاری، شهرنشینی، فناوری، افزایش منفعت فردی و نگاه سودجویانه به طبیعت است و دین مسیحیت هم با هر یک از این عوامل در ارتباط است اما خود دین عامل تضييع حقوق

آیندگان و بحران‌های بوجود آمده نمی‌باشد زیرا که آموزه‌های دینی فقط در نحوه برخورد ما با طبیعت تاثیرگذار است و نیز از منتقدان دین مسیحیت این سوال را مطرح می‌کند کسانی که مسیحی نیستند کمتر از پیروان مسیح به اتلاف منابع و استفاده بی‌رویه واسراف و تبذیر، تمایل دارند؟ و اگر اتلاف منابع توسط نسل فعلی صرفاً بخاطر دین مسیحیت هست نباید در سایر ادیان و جهان، چینی مشکلی وجود داشته باشد حال آنکه شاهد مشکل مشابه با درجات خفیف‌تر و شدیدتر در سایر ادیان نیز هستیم (Monserif، ۲۳).

«دوبل» نیز یکی دیگر از نظریه‌پردازان است که معتقد است که در به وجود آمدن مشکلات و اتلاف منابع و تضییع حقوق آیندگان نباید صرفاً این اوامر را به آموزه‌های دینی نسبت داد و از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غافل گردید (jodeo، ۱۴).

به نظر می‌رسد اینگونه تفکرات و نظرات از تحریف کتاب مقدس صورت گرفته که تفسیرهای نادرستی از آن به عمل آمده است همانطوری که در دین اسلام نیز با تفسیرهای غلط از قرآن کریم و جعل روایات، عده‌ای در تلاش بودند که به پیکره اسلام ضربه وارد کنند. منتقدان به دین، با تفسیرهای غلط از آموزه‌های دینی یا مغرضانه به تخریب دین مسیحیت پرداخته‌اند زیرا اگر با نگاه واقع‌بینانه و عالمانه به امور دینی پردازیم متوجه می‌شویم که نه تنها دین با حقوق نسل‌های آینده در تعارض نمی‌باشد بلکه در تلاش است که به نوعی حقوق آنان را احیاء نماید و چنانچه در کتاب انجیل دنیا را گذرگاه و محل عبور می‌شناسد به معنی تخریب منابع طبیعی و از بین بردن مواهب الهی و ضایع نمودن حقوق آیندگان نمی‌باشد بلکه موقت انگاری دنیا به این معناست که انسان همواره به یاد خدا باشد و دچار غرور و طغیان نشود و به فساد و تباهی در این دنیا ادامه ندهد و همچنین تسخیر طبیعت در این دنیا توسط انسان نیز به معنای نابودی طبیعت نمی‌باشد بلکه به این معناست که انسان می‌تواند از طبیعت بهره‌برد و این بهره‌نیز به صورت مطلق نیست بلکه مقید به عدم اتلاف منابع و اضرار به حقوق دیگران است زیرا انسان به عنوان خلیفه خداوند در روی زمین است و نسبت به نعمت‌های خداوند باید جوابگو باشد و به اعتقاد

برخی از اندیشمندان، انسان بودن یعنی مطلع بودن از تکلیفی که این مقام خلیفگی، مقتضی آن است و تسخیری که برای انسان در قرآن بیان شده است به معنای تسلط عادی بر طبیعت نیست بلکه به معنای غلبه براموری است که انسان مجاز است به شرط آنکه با قوانین الهی در تعارض نباشد، اعمال کند (فراهانی فرد، ۲۸). در نتیجه تسلط انسان بر طبیعت به طور مطلق و بی‌قید و شرط نمی‌باشد و یا اگر دین، انسان را عزیز شمرده بدین معناست که انسان فقط مجاز هست از سایر مخلوقات و آفریده‌های خداوند متعال بهره‌بردار و مجاز به اتلاف و تزییع حقوق دیگران نمی‌باشد.

نتایج مقاله

۱. حقوق نسل‌های آینده، یکی از مباحث مهم و حیاتی است که در راستای توسعه پایدار و انصاف بین نسلی مطرح می‌شود. این مفهوم، بر این ایده استوار است که طبیعت و منابع موجود در آن، متعلق به همه انسان‌ها و نسل‌ها است و برای برطرف کردن نیازهای آنان آفریده شده است.
۲. هیچ دلیلی مبنی بر تعلق انحصاری مواهب الهی به نسل فعلی و برتری آنان بر نسل‌های آینده وجود ندارد. نسل کنونی، همان‌گونه که حق بهره‌برداری و استفاده از این مواهب را دارد، در مقابل، تعهد و تکلیف حفاظت از این منابع و انتقال آن به نسل‌های آینده را نیز بر عهده دارد.
۳. وظیفه رعایت حقوق نسل‌های آینده، بر اساس مفهوم امانت‌داری در ادیان الهی، به ویژه در اسلام، شکل گرفته است. نسل فعلی، به عنوان جانشین خداوند، این امانت الهی را به آیندگان می‌سپارد که این امر موجب همبستگی بین نسل‌ها و ضامن توسعه پایدار و بهره‌مندی همه نسل‌ها از مواهب الهی می‌شود.
۴. رعایت حقوق نسل‌های آینده، یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار است که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در برمی‌گیرد.

۵. حقوق نسل‌های آینده به عنوان یکی از مسائل نوظهور و چالش‌برانگیز، در دهه‌های اخیر توجه اندیشمندان و عالمان دینی را به خود جلب کرده است.
۶. آموزه‌های دینی، نقش مهمی در حمایت از حقوق نسل‌های آینده دارند و ضمن تأکید بر سعادت اخروی انسان‌ها، بر سعادت و رفاه دنیوی بشریت در تمام اعصار نیز تأکید دارند.
۷. در همه ادیان الهی و آسمانی به اهمیت حقوق نسل‌های آینده پی برده‌اند، لکن برخی با برداشت‌های غلط از مفاهیم دینی، بر این باورند که ادیان الهی، به دلیل ناچیز انگاشتن دنیا و تعلقات آن و موقت انگاشتن آن، عدم توجه به حقوق نسل‌های آینده و تضییع حقوق آنان و اتلاف منابع طبیعی را مجاز شمرده‌اند. برای مثال، برخی افراد، تفسیرهای نادرستی از مفهوم زهد و بی‌توجهی به دنیا داشته‌اند و این تفسیرها منجر به بی‌توجهی به حقوق نسل‌های آینده شده است.
۸. بر اساس این پژوهش، نه تنها در ادیان الهی (به‌ویژه در دین مبین اسلام)، تضییع حقوق نسل‌های آینده تجویز نشده، بلکه برعکس، معتقدند که نعمت‌های الهی متعلق به همه نسل‌هاست و دستوراتی نیز در خصوص رعایت حقوق آنان به نسل فعلی صادر نموده‌اند. نسل فعلی، امانتدار منابع طبیعی است و سفارش به رعایت امانت در حقوق آیندگان نموده است.
۹. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی می‌توانند به عنوان یک نیروی محرکه برای حفاظت از حقوق نسل‌های آینده عمل کنند و به افراد کمک نمایند تا درک عمیق‌تری از مسئولیت خود در قبال نسل‌های آینده داشته باشند.
۱۰. در دین مسیحیت برخی معتقدند موقت پنداشتن دنیا و پرداختن به امور اخروی، سبب عدم توجه به حقوق آیندگان و استفاده بی‌رویه از مواهب طبیعی می‌دانند و در مقابل دانشمندانی هستند که معتقدند که ارتباط دادن اتلاف منابع توسط نسل فعلی و عدم توجه به آیندگان در دین مسیحیت، ایده‌ای است مبتنی بر هواوهوس است تا مسائل علمی و واقعیت، و در اتلاف حقوق نسل‌های آینده مسائل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی تاثیر بسزایی دارد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقایس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۴۰۴ق، جلد ۴.
۳. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، موسسه النشر الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق، جلد ۳.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ق، جلد ۳.
۵. امامی مبین، مهنوش، حقوق نسل‌های آینده در حقوق بین‌الملل محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵.
۶. بجنوردی، میرزا حسن، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ دهم، ۱۴۲۲ق، جلد ۲.
۷. بری، جان، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۹، جلد ۱۰.
۱۰. جوهری، حماد بن اسماعیل، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)، تحقیق عبدالغفار عطار، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق، جلد ۴.
۱۱. خوبی، ابوالقاسم، محاضرات فی اصول الفقه، موسسه احیاء آثار آیت‌الله خوبی، چاپ سوم، ۱۴۲۲ق.
۱۲. همو، مصباح الفقه، قم، موسسه انصاریان، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، جلد ۴.
۱۳. دهخدا، محمد، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم، ۱۳۷۷، جلد ۲.
۱۴. رازی، محمد بن ابی، مختار الصحاح، دارالکتب العربیه، بیروت، چاپ اول، ۱۹۱۸م.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، الفاظ قرآن، بیروت، الدار الشامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق، جلد ۱.
۱۶. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران، دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۱۷. ربانی، محمد، بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلامی، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۱۸. رساله پولس رسول به کولسیان، باب سوم، آیه ۲-۵.
۱۹. ساعدوکیل، امیر وعسگری، پوریا، نسل سوم حقوق بشر، تهران، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
۲۰. سبحانی، جعفر، تهذیب الاصول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، نشر عروج، چاپ ششم، ۱۴۲۳ق، جلد ۳.
۲۱. طباطبائی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹، جلد ۳.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار احیا التراث العربی، چاپ نهم، ۱۴۰۶ق، جلد ۲.
۲۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مکتب النش الثقافه الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰، جلد ۳.
۲۵. عکبری، عبدالله بن حسین، التبیان فی اعراب القرآن، ریاض، بیت الافکار الدولیه، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبه لعلمیه الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۰، جلد ۱.
۲۷. فاضل لنگرانی، محمد، کتاب الطهاره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، نشر عروج، چاپ سوم، ۱۴۲۲ق.
۲۸. فتحی، کوروش، فرمهنی فراهانی، محسن، دانش زیست محیطی زنان برای توسعه پایدار، انتشارات شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۲۹. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، داراحیا التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق، جلد ۵.
۳۰. فهیمی عزیزالله، مشهدی، علی، نسبت دین و محیط زیست، رویکرد اسلامی، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۸، ۱۳۹۴.
۳۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، ۱۳۸۸، جلد ۷.
۳۲. کامستوک، ال، خداپاوری و اخلاق زیست محیطی، ترجمه، حمتی، انشاله، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱، ۱۳۸۷.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق، جلد ۹.
۳۴. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، انتشارات دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، جلد ۵.
۳۵. مظاهری، حسین، احکام اقتصادی اسلام در مورد زمین، حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۳۶. ملکیان، مصطفی، مهر مانگار، تهران، نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۳۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، داراحیا التراث العربی، چاپ سوم، ۱۹۸۱م، جلد ۲۹.
۳۸. نصر، سیدحسین، دین و نظم طبیعت، ترجمه انشاله رحمتی، نشر نی، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
۳۹. وایت، لین، ریشه‌های تاریخی بحران اکولوژیک، ترجمه محمود رستمی تبار، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۳۸۹.
۴۰. هات دان اف، علم و دین، قم، کتاب طه، ترجمه، نجفی، بتول، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
41. Lynn wite jr, 1976, the historical Roots of our Ecological Crisis
42. Logan' T. C. & Haught J.E2011., Edology in: Carson Thomas The new Catholic Encyclopedia second Edition Washington Gale Publishing
43. Anderlin. 2012, i. The Gaia Hypothesis and Ecofeminism: Cultur reason and Symbiosis Bloomington Indin uP.
44. L.Gaga Ricgard. 2007. choose life: A Dialog – Arnold Toynbee and daisaku Ikede London I. B. Tauris.
45. Gilson Etienne. 1980. The chirstian Philosiphy Of st
46. RuseelTrain Vital speeches Of the day
47. Monserif L. W, 2011. the culthral Basis of Enviromental Crisis. In: L. pojman Enviromenta Ethics Reading and application. London Thomson learninz.
48. tha jodeo, 2001, Christian attitude to natur. In: L pojman Enviromenta Ethics Reading and application. London Thomson learning